



یلدا واژه‌ای سریانی به معنی میلاد عربی است. ابرویحان بیرونی در سال‌شماری تقویم کهن سیستانی می‌نویسد که ایرانیان در هفت هزار سال پیش روز تولد خورشید (اول دیماه) را خرم روز یا خور روز نامیدند و آن روز را آغاز سال شمردند و جشن گرفتند. بنابراین شب یلدا شب سال نو محسوب شده است و اول دیماه روز پیروزی نور بر تاریکی است. در آیین مهر (میترائیسم) که پیش از آیین زردشتی در ایران رواج داشته شب تولد خورشید را جشن می‌گرفتند و این شب برابر با شب چله‌ی زمستان است. مسیحیان تا سال ۳۵۰ میلادی روز ششم ژانویه را روز میلاد مسیح می‌دانستند اما با نفوذ آیین مهر در کلیسا مسیحیان روز ۲۱ دسامبر را که روز تولد خورشید است روز میلاد حضرت مسیح (ع) قرار دادند و سپس میلاد مسیح (ع) را در روز ۲۵ دسامبر تثبیت کردند.

یلدا در شعر شاعران ایران

یلدا اول زمستان و شب یلدا آخرین شب پاییز است. در این زمان آفتاب به برج جدی تحویل می‌کند. شب یلدا بلندترین و سیه‌ترین شب سال است. شاعران ما زلف یار و روز هجران را به درازی و سیاهی شب یلدا تشبیه کرده‌اند.
عصری گوید:
چون حلقه ربایند به نیزه، توبه نیزه
خال از رخ زنگی بریابی، شب یلدا
منوچهری گوید:
نور رایش، تیره شب را روز نورانی کند
دود چشمش، ر روز روشن را شب یلدا کند
ناصرخسرو گوید:
قتدیل فروزی به شب قدر به مسجد
مسجد شده چون روز و دلت چون شب یلدا
خاقانی گوید:
تو جان لطیفی و جهان جسم کنیف است
تو شمع فروزان و گیتی شب یلدا
سعدی فرماید:
نظر به روی تو هر بامداد، نوروزیست

شب یلدا، شب چله

جمال زبانی



گلوله‌های خاک زغال را در اجاق، منقل زیر کرسی می‌افروختند و در گرمای مطبوع و بادوام آن سرمای زمستان را پشت سر می‌گذاشتند.

مراسم شب چله

شیرازی‌ها برای کوتاه کردن شب سرد، تاریک و طولانی چله و با امید تولد خورشید دور هم جمع می‌شوند و از هم دلجویی می‌کنند. آنها با قصه‌گویی، واسونک‌خوانی، طرح چیستان، خوردن شب‌چره و فال زدن یا دیوان خواجهی بزرگوار حافظ شب را به شادی سپری می‌کنند.

خوردنی‌های شب چله در شیراز

شب‌چره‌ی این شب عبارت بود از: انجیر، مغز گردو، کشمش، مویز، قصبک، خرک، نخودچی، توت خشک، مغز بادام، پرگه‌ی هلو و زردآلو، جوز قند، برنجک و آنچه که گرم‌ازا بود و نیروبخش. امروز پسته و راححالقوم (باسلق) را هم اضافه می‌کنند. این آجیل‌های شیرین که گرمای خورشید را در خود ذخیره کرده‌اند در واقع خورشید را به درون بدن ما می‌برند. میوه‌های شب چله هم عبارت بود از انار، سیب سرخ و هندوانه که پای اصلی خوردنی‌های آن شب است. شکل سرخ و گرد کفهی هندوانه و شکل و رنگ انار و سیب سرخ هم که نمادی از شکل خورشید است آن را در خاطر ما زنده می‌دارد. شیرازی‌ها باور داشتند که اگر کسی طبعش (مزاجش) گرم باشد و شب چله هندوانه بخورد طبعش دگرگون می‌شود و در تابستان گرم او را آزار نمی‌رساند. امروز باور دارند که تا آخر زمستان سرما نخواهند خورد.

تقال به دیوان خواجهی اهل راه حافظ مهمترین کار است که به شکل‌های گوناگون انجام می‌شود (مانند فال و گلدان).^۲ مراسم شب چله به عنوان یک اثر معنوی کشور به ثبت رسیده، امیدواریم که روزی در فهرست میراث جهانی قرار گیرد.
پی‌نوئیس
۱- جشن‌های ملی ایرانیان، حسن گل محمدی ۱۳۹۰، نشر مهتاب
۲- کته، محفله‌ای بود در انباری خانه که زغال در آن می‌ریختند و روی سقف کته را تلواره می‌گفتند که اشیاء را روی آن می‌پانادند.
۳- دو گلدان می‌گرفتند در یکی تعدادی غزل حافظ می‌ریختند و در دیگری هر یک از حاضران نشانه‌ای از خود در آن می‌ریخت. سپس کودکی یکی از نشانه‌ها را بیرون می‌آورد و نشان می‌داد و کودکی دیگر یکی از غزل‌ها را بیرون می‌کشید و شخصی آن را می‌خواند و ...

شب فراق تو هر گه که هست یلدایی است
حافظ فرماید:
صحبت حکام ظلمت شب یلداست
نور ز خورشید خواه، بو که برآید
بنابراین ایرانیان در شب یلدا که در واقع همان شب چله‌ی زمستان و نماد تاریکی، سرما و هجران است برای چیرگی بر اهریمن تاریکی به دور هم جمع می‌شوند و از هم دلجویی می‌کنند و تا بامداد بیدار می‌نشینند تا اینکه تولد خورشید جهان‌تاب را تماشا کنند.
ضمناً چون شاد زیستن و با نشاط بودن بخشی از فرهنگ ما ایرانیان است بنابراین میلاد خورشید را جشن می‌گیرند. در شیراز به شب یلدا، شب چله می‌گویند چون در گذشته، زمستان را به دو چله تقسیم می‌کردند.
الف: چله‌ی بزرگ که به مدت چهل روز از اول دیماه تا دهم بهمن ماه

ب: چله‌ی کوچک که مدت بیست روز از یازدهم بهمن تا آخر بهمن ماه
از اول اسفند سرمای پیرزن و سپس سرمای گل سرخ بود و در پایان اسفند باد بشکاف و شروع طبیعت.
چارچار: چهار روز آخر چله‌ی بزرگ و چهار روز از اول چله‌ی کوچک را که زمان شدت سرما و باریدن برف و باران است «چارچار» می‌گویند. مردم دل به نشاط شیراز در تابستان و پاییز، آنچه را که برای زمستان لازم داشتند، تهیه می‌کردند و در خانه نگاه می‌داشتند، چون فصل زمستان فصل استراحت و خانه‌نشینی بود. مثلاً مردم زغال‌های خریداری شده در تابستان را که در کته^۲ KATE زغالی، در گوشه‌ای از خانه انباشته بودند با غزال می‌ریختند و خاک زغال‌ها را در لگنی پر از آب می‌ریختند تا ماسه و شن همراه آن ته‌نشین گردد، سپس خرده زغال‌هایی را که روی آب بود، جمع می‌کردند و گلوله‌ای بزرگ می‌ساختند و در آفتاب خشک می‌ساختند. در روزها و شب‌های سرد زمستان این

آشنایی با قرآن

متفکر شهید استاد مرتضی مطهری

تفسیر سوره بلد

انسان در بطن زحمت و مشقت خلق شده است

حال مطلب چیست؟ مطلب خیلی مهم است. لقد خلقنا الانسان فی کبد. «کبد» یعنی زحمت، مشقت، رنج. ما انسان را در بطن زحمت و مشقت آفریده ایم؛ یعنی زندگی انسان از زحمت و مشقت خالی نیست و در هر وضعی که باشد دچار نوعی مشقت و ناراحتی است. منتها ناراحتی نوع دوغ است: یک نوع ناراحتی‌هایی است که انسان در اثر کارهای پرمشقت بدنی و فقرها و بیماری‌ها پیدا می‌کند. نوع دوم ناراحتی‌هایی است که کسی که تجربه نکرده باور نمی‌کند عده‌ای از مردم با اینکه از نظر بدنی و نیازهای مادی هیچ رنجی ندارند، ولی از نظر روحی و معنوی زندگی برایشان از زندان بدتر است. تکالیف- که انسان آنها را تکلیف یعنی مشقت می‌داند- بهترین راه است برای اینکه از مشقت‌های انسان بکاهد. ایحسب الانسان ان لن یقدر علیه احد. انسان چون احساس می‌کند همه چیز آفتور که می‌خواهد واقع نمی‌شود پس می‌فهمد که محاط است به یک سلسله عواملی که خارج از اختیار اوست و زمان کار عالم به دست او داده نشده است بلکه به دست کس دیگری است.

پس ای بشر! بفهم که قدرت دیگری مافوق تو هست که مسلط بر توست و اوست که هر طور بخواهد در مورد تو عمل می‌کند.
يقول اهلكت مالا لبدا. این آیه همانطور که سیاقش نشان می‌دهد و مفسرین گفته‌اند، شأن نزول خاصی دارد. مرد ثروتمندی مسلمان شد. بعد طبق عادت جاهلیت گناهانی مرتکب می‌شد ولی چون مسلمان شده بود ناراحت می‌شد و می‌آمد خدمت رسول اکرم (ص) و ایشان هم به او دستور انفاق و کفاره می‌دادند. تا جایی که دید از این راه مال زیادی از دستش می‌رود. و در جایی گفت «از روزی که به این دین گرایش پیدا کردم مال و ثروتم از دستم رفت و فانی شد». آیات بعد ناظر به این مطلب و قسمت‌هایی است که در اول سوره گفته شده.

يقول اهلكت مالا لبدا [آن مرد می‌گوید] چه مال زیادی را در این راه از دست دادم! ایحسب ان لم یره احد آیا خیال می‌کنند هیچ کس او را نمی‌بیند و ناظر به احوال او نیست؟! آیا خیال می‌کنند اگر در راه خدا داده‌های متعال نمی‌بیند و نمی‌داند و اگر در راه هوای نفس داده باز هم خدای متعال نمی‌بیند و نمی‌داند؟! بعد می‌فرماید: تو چطور چنین تصور می‌کنی؟! خدا به تو چشم و زبان و دو لب داده و- به قول معروف- معطی شے، فاقد شے نیست؛ یعنی اگر موجودی کمالی را به موجود دیگر عنایت کند محال است خود او فاقد آن کمال باشد.

ذات نایافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش
کهنه ابری که بود ز آب تهی
کی تواند که کند آب دهی
آیا خدایی که به انسان بینایی می‌دهد خودش بینا نیست؟! آیا خدایی که به انسان علم داده عالم نیست؟! علم، قدرت، شعور، وجدان و درک جزء پدیده‌های این عالم است، آن وقت آن کسی که این پدیده‌ها را به موجودات عالم داده خودش آنها را ندارد؟! تو قوه‌ای داری که با آن بینی، آن وقت آیا خدای تو نمی‌بیند؟! تو زبان و دو لب داری که آنچه را می‌دانی به دیگران بفهمانی، آن وقت آیا خدای تو چنین قوه‌ای که آنچه را می‌داند به دیگران بفهماند، ندارد؟! الم نجعل له عینین و لسانا و شفقتین و هدیناه التجدید. آیا ما به انسان دو چشم ندادیم؟! آیا ما به او زبان و دو لب ندادیم؟! ما انسان را به دو نجد هدایت کردیم. عرب به سرزمین مرتفع و همچنین به راه‌هایی که در سرزمین‌های مرتفع وجود دارد «نجد» می‌گوید.

قرآن می‌گوید: دو راه وجود دارد که هر دو هم سنگلاخ است و راه‌هایی است که با مشقت و زحمت زیاد طی شود، و ما هر دو راه را به انسان نشان داده‌ایم. ما به انسان دو راه را نموده‌ایم و گفته‌ایم هر کدام را می‌خواهی برو، ولی راه حل و خیر این است و راه شر آن.

چرا قرآن به راه خیر و راه شر «نجد» گفته؟
حال چرا قرآن این دو راه را «نجد» یعنی راه سخت و پرزحمت نامیده است؟ در آیات قبل هم خواندید؛ لقد خلقنا الانسان فی کبد. چطور هم راه خیر صعب‌العور است و هم راه شر؟ نکته اساسی اینجاست. هر دو راه، سختی دارد اما تفاوت در این است که راه خیر اولش سخت است و هر چه انسان آن را طی کند سبب‌تر و آسان‌تر می‌شود، مثل راهی که اولش سربالایی است و در نیمه افقی می‌شود و در آخر سرائیبی، ولی راه شر درست برعکس است، اولش خیلی آسان و جذاب و دارای کشش است ولی هر چه انسان بیشتر طی می‌کند بیشتر سخت‌تر می‌شود.

روایتی از رسول اکرم (ص)
امیرالمؤمنین از رسول اکرم نقل می‌کنند که فرمود: حفت الجنه بالمکاره و حفت النار بالشهوات بهشت در وسط سختی‌ها قرار گرفته و انسان وقتی می‌خواهد به بهشت برود باید دیوار سختی‌ها را بشکافد، ولی جهنم برعکس است، انسان از یک راه خیلی آسان و پر لذتی می‌رود و یک مرتبه دچار آن همه سختی‌ها می‌شود. پس خصلت کار خیر این است که اولش سخت است چون انسان باید خودش را تمرین بدهد تا عادت کند، ولی همین قدر که به کار خیر عادت کرد آن را به آسانی و راحتی و با لذت فراوان انجام می‌دهد. اما کار شر برعکس است، چون اثر گناه سنگین کردن انسان است.

طرح: عصر مردم

جدول شماره ۹۴/۷۸۰

افقی:
۱- توهین - طنز تصویری
۲- پهلوان - باوقار - راه روشن
۳- دومین پادشاه بنی اسرائیل - برخی انسان‌ها دارند- مرگ
۴- شیوه- پسر- آسانی- چشم
۵- نام مادر گرامی حضرت محمد (ص)- ضمیر اول شخص مفرد- دوستی
۶- کنکاش- آبروی معروف
۷- پیشوا- اثری از ویلیام شکسپیر- نوع خاصی از هویج
۸- نقره- سننگ‌ریزه کنار ساحل- قبل از برخی افعال می‌آید- وسیله
۹- نوعی ماده افیونی - کران- از خودروهای فرانسوی
۱۰- در هفته درختکاری می‌کارند - از علوم زیستی - از دورفتنی‌ها
۱۱- مروراید- چه وقت- عدد مرغان قاف- قار ناتمام
۱۲- در عربی به آینده اشاره دارد- مخفف تو را- واحد اندازه‌گیری طول- نیستی
۱۳- سیاه و تار- نامی دخترانه- قاطی و درآمیخته
۱۴- خارج از زمین بازی- من در آن پیدا- او
۱۵- از مشتقات نفتی- از توابع فارس
عمودی:
۱- از فلاسفه فرانسوی و نویسنده رمان‌های تخیلی- قهرمان شاهنامه
۲- وی- روی رینگ خودرو سوار می‌شود- از فلزات سبک
۳- نامی دخترانه- راست- از رودهای عراقی

جواب جدول شماره ۹۴/۷۷۹

جدول شماره ۹۴/۲۵۴

						7		
			6	4	7	8		5
			7		1	3		8
			9					
		1			9			2
		9	2	3	7	4	1	
		5	6		8		7	
		4		1	8	3		7
		7			2	9	6	1
						1		

جدول شماره ۹۴/۲۵۳

3	7	1	6	9	5	4	2	8
4	5	6	2	7	8	9	1	3
8	2	9	4	3	1	7	5	6
9	8	5	3	4	6	1	7	2
6	4	3	7	1	2	5	8	9
2	1	5	8	9	3	6	4	
5	3	8	9	2	7	6	4	1
7	9	2	1	6	4	8	3	5
1	6	4	8	5	3	2	9	7

شیوه حل جدول سودوکو

یک سودوکوی معمولی دارای ۹ ستون عمودی و ۹ ردیف افقی است که توسط خطوط پرنرنگ‌تر به ۹ جعبه ۳ در ۳ تقسیم شده است.

تعدادی از خانه‌ها در این جدول دارای عدد هستند و وظیفه شما این است که خانه‌های خالی را پر کنید طوری که هیچ عددی در یک ستون، ردیف و جعبه تکرار نشود.

اعدادی که در هر ردیف و ستون قرار می‌گیرد از عدد ۱ تا ۹ را شامل می‌شود و نباید تکراری باشند.